

# وضعیت کارگران در جمهوری اسلامی

کمیته ی پیگیری ایجاد تشکل های کارگری

کارگران شما خود شاهد بوده و هستید که چگونه و بطور مستمر هر روزه چیزی از سفره ی شما کم می شود، سفره ی فقیرانه که آنرا به نیروی بازوی توانای خود و با حقوقهای حداقلی سیصد و سی هزار تومانی چیده اید . سفره ای که حاصل شرافت کاری شما است بالاخص در یکسال گذشته به بهانه هدمند کردن یارانه ها در حقیقت حذف یارانه ها که ابتدا با افزایش قیمت بنزین و گاز و حمل و نقل شروع شده و حتی شیر و نان و برق را نیز شامل شده و وعده دوبرابر شدن قیمت آب را نیز در سال آینده داده اند .

شما شاهد بوده اید که حذف یارانه ها چگونه قیمت های سایر مایحتاج عمومی از قبیل لبنیات و میوه و حبوبات و پوشاک و درمان و غیره را نیز افزایش داده و تنها یک قلم هزینه مسکن و اجاره خانه ها دستمزد ماهیانه کارگران را یکجا می بلعد، برآورده ساختن سایر احتیاجات خانواده کارگری از قبیل تهیه گوشت و میوه و هزینه های درمان و سلامت خانواده بر زمین می ماند و راه پیشرفت تحصیلی فرزندان کارگران مسدود شده و سایر تفریحات از قبیل ورزش و مسافرت و غیره که لازمه ی تجدید قوای روحی کارگر می باشد کلاً از زندگی کارگری حذف می شود .

در نتیجه انواع و اقسام بیماریهای جسمی و روحی و روانی ناخواسته به سراغ خانواده کارگری می آید و باعث تنش های مختلف در خانواده شده و هر یک از اعضاء خانواده به نوعی به دنبال کسب و کار و تأمین معاش و پول تو جیبی خود رفته و سر از هزاران مکان نامناسب در آورده و به خیلی از کارهایی که در شأن یک انسان شرافتمند نیست تن می دهند.

و دقیقاً از همین رو است که ناهنجاریهای اجتماعی خود را نشان داده و به شکل دزدی ها، نزاع ها، کلاهبرداری ها و جعل و ارتشاء و خشونت و غیره در جامعه اتفاق می افتد.

طبق آمارهای ارائه شده دولتی موارد فوق رو به افزایش داشته و زندان ها چندین برابر ظرفیت خود زندانی دارد و همچنین بنا به همین آمارهای دولتی تعداد مبتلایان به ایدز رو به افزایش داشته و

همچنین آمار سکتة های قلبی و سرطان و بیماریهای روحی رو به فزونی داشته و در همین راستا با بالا رفتن سن ازدواج و به دلایل مختلف و عمدتاً " مشکلات اقتصادی آمار طلاق ها بالا رفته و متقابلاً آمار ازدواج کاهش یافته و سن افراد در ارتکاب به اعمال بزه کاری و خشونت پایین آمده است.

به عبارتی دیگر آستانه ی تحمل افراد پایین آمده و به علت درگیر بودن از درون با هزاران مشکل معیشتی و شغلی و غیره با اندک تنشی کار به جاهای ناخواسته می کشد.

## کارگران!

در چنین شرایط معیشتی و شغلی کارگران، دولتهای سرمایه داری اما راه خود را می روند، دولتهای قبلی از طریق تحمیل و جا انداختن تشکلهای زرد و بی خاصیت خانه کارگر و نهادهای مشابه تلاش نمودند که قراردادهای موقت را به کارگران تحمیل کرده و با ایجاد فضای پلیسی و امنیتی در میان کارگران ضمن جلوگیری از شکل گیری تشکل های واقعی کارگران هر لحظه با تهدید به اخراج، آنان را به تمکین وا داشته و سطح دستمزدها را زیر خط فقر نگهدارند. اما سرمستی و وفور دلارهای نفتی در دولت هشتم و نهم آنان را به طمع واداشته که بار دیگر در فضای تهدید و ارباب و حبس و زندان، کارگران و فعالین کارگری را به سکوتی مرگبار بکشانند تا هیچگاه نیروی متشکل آنان به فعل درنیاید.

به گوشه ای از فشارهای وارد آمده به کارگران و فعالین کارگری در سه چهار ساله اخیر می پردازیم:

- دستگیری و زندانی کردن حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ نفر در مراسم برگزاری روز کارگر در پارک لاله و دادگاهی کردن عده بسیاری از آنان و دادن حکم های حبس و زندان در دادگاههای تجدید نظر،

- دستگیری و زندانی کردن تعدادی از اعضای کمیته پیگیری از جمله بهنام ابراهیم زاده عضو شورای نمایندگان که از اتهامات دیگر وارده به ایشان فعالیت در مورد کودکان کار و خیابان بوده و علیرغم آسیب دیدگی شدید از ناحیه گوش و بناگوش که احتیاج به مداوای بیرون از زندان دارد از این امر تاکنون ممانعت به عمل آمده است،

- دستگیری و زندانی کردن شاهرخ زمانی عضو شورای نمایندگان کمیته

پیگیری که با حکم ۱۱ ساله زندان در حال حاضر در زندان به سر می برد،

- دستگیری محمد جراحی که در زندان به سر می برد و مسئولین زندان از تحویل گرفتن لباس گرم از خانواده ایشان امتناع می ورزند و سید بیوک سیدلر و فعالین مرتبط با آنان،

- دستگیری و به زندان انداختن دو ماهه آیت نیافر، سخنگو و عضو شورای نمایندگان کمیته پیگیری و آزادی موقت او به قید وثیقه،

- دستگیری و زندانی کردن تعدادی از فعالین کمیته هماهنگی به دفعات،

- دستگیری و زندانی کردن تعدادی از اعضاء کانون مدافعان حقوق کارگر از جمله آقای اخوان و ثقفی خراسانی و رئیس دانا،

- دستگیری تعدادی از فعالین هیئت بازگشایی سندیکای فلزکار و مکانیک،

- دستگیری های مکرر و به زندان انداختن اعضای هیئت مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه و در زندان نگه داشتن علی نجاتی، عضو هیئت مدیره علیرغم ناراحتی های شدید قلبی ایشان،

- دستگیری های متعدد از اعضای هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد و تحمل زندان های طولانی توسط منصور اصلو و ابراهیم مددی و سایر اعضا از جمله رضا شهابی که در مورد اخیر با عدم تعیین وقت دادگاه و اتهامات واهی بی دلیل در زندان به سر می برد،

و سایر تشکلهای و فعالین کارگری از جمله اتحادیه آزاد کارگران و غیره می باشند که به دفعات احضار و بازجویی و بعضاً " زندانی شده اند که ذکر تمامی آنها در این مختصر نمی گنجد.

ما به سایر ظلم هایی که در حق کارگران معادن باب نیز و همچنین شهر بابک شده است نپرداخته ایم که در سالیان گذشته اتفاق افتاده است.

همچنین تعداد زیادی از همین فعالین کارگری علیرغم میل خود مجبور به ترک کار و خانه و کاشانه خود از ایران شده و در مقابل کشیدن حبس های ده، پانزده ساله اجباراً " اقامت در غربت را برگزیده اند که از خیل عظیم مهاجرین اجباری می توان به نمونه هایی اشاره کرد:

محمد اشرفی عضو شورای نمایندگان در چند دوره، بینا داراب زند عضو دو دوره شورای نمایندگان، رسول عالی نژاد عضو کمیته پیگیری و همچنین سایر فعالین کارگری از جمله برهان دیوارگر، خانم مریم محسنی، بهروز خباز، بهزاد سهرابی، بهروز کریمی زاده، پریسا نصرآبادی و... تنها گوشه ای از این مهاجرین اجباری هستند.

به سیاهه بالا تعداد فراوانی از موارد اخراج از کار و سایر تضییقات را می توان افزود.

آنچه در بالا اشاره شد گوشه هایی از فشارهای وارد آمده به طبقه کارگر و فعالین کارگری می باشد که تلاش می کنند یک زندگی انسانی و شرافتمندانه داشته باشند و باید گفت که عدم پیگیری کافی و مستمر حداقل مطالبات کارگری از جانب کارگران این شبهه را برای دولت و سرمایه داران رنگارنگ حامی آنان بوجود آورده است که طبقه کارگر مرعوب شده و به وضع موجود تمکین کرده است و دولت علیرغم درآمدهای کلان نفتی همواره دم از نداشتن بودجه و کسری بودجه زده است و اما این دور تازه حمله ی دولت به حداقل دستاوردهای طبقه کارگر برای بازپس گیری بخشی از حق و حقوق کارگران و سپردن این اختیارات فراوان به کارفرمایان به اسم اصلاح قانون کار شروع شده که تلاش می شود با گذراندن این اصلاحات از مجاری قانون گذاری موجود خودشان، زندگی در زیر خط مطلق فقر را قانونی جلوه دهند.

به تعدادی از این موارد اشاره می کنیم:

۱- لغو حداقل دستمزد کارگری و موکول نمودن آن به توافق کارگر و کارفرما و بر اساس شرایط اقتصادی کشور تحت نام ((مزد منعطف))،

۲- باز گذاشتن دست کمیته های انضباطی کارخانه ها برای اخراج کارگران به عناوین مختلف،

۳- کاهش حق اضافه کاریها و محدود کردن پرداخت حق بیمه بیکاری و سنوات کارگری و غیره،

۴- عدم بازگشت به کار کارگر بعد از بازداشت و زندانی شدن برای مدتی کوتاه حتی اگر در دادگاه محکوم نشده و تبرئه شده باشد، همچنان نداشتن حق تشکیل سندیکا و تشکل های صنفی که بتواند مطالبات کارگران را پیگیری نماید،

کارگران در مقاطع مختلف و به گونه های متفاوت کارفرمایان و

دولتهای حامی آنان را به عقب نشینی واداشته اند و به خواسته ها و مطالبات خود دست پیدا کرده اند که پیروزی کارگران پتروشیمی تبریز و ماهشهر جدیدترین آنها بوده ولی آخرین نخواهد بود.

کارگران باید همگام با سایر اقشار زحمتکش از جمله معلمان، پرستاران، دانشجویان و سایر اقشار حقوق بگیر مستمرا" مطالبات خود را پی گیری نموده و برای دستیابی به خواسته های خود دست به ایجاد تشکل خود زده و در این راه از هیچ هزینه ای فروگذار نباشند چون به تجربه دریافته اند که وضعیت امنیت شغلی کارگر شاغل امروز پایدار نبوده و فردا ممکن است به خیل عظیم لشگر بیکاران اضافه شود.

صف دولتهای سرمایه داری و حامیان متفاوت آنان یکپارچه و منسجم است و هر روز با طرح های گوناگون لحظه ای از تهی کردن سفره کارگران غافل نمی مانند. ما نیز باید صفوف خود را متشکل کرده و با آگاهی بیشتر از ترفندهای آنان از حقوق خود و تمامی کارگران هم طبقه ای خود دفاع کرده و زندگی شرافتمندانه ای را برای خود و خانواده هایمان استوار نماییم.

کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری

۱۲/۱۱/۱۳۹۰